

بررسی تحولات اشتغال زنان در روستای جاغرق (چالش‌ها و چشم‌اندازها)

علی اکبر مجدی: استادیار دانشگاه فردوسی مشهد^۱

مژگان جعفرپورجاغرق: دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در این تحقیق درصدد بررسی تحولات اشتغال زنان و چالش‌ها و چشم‌اندازهایی که در روستای جاغرق وجود دارد، هستیم و از روش نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده کردیم. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌ی روایی و نیمه‌ساختار یافته است. در این راستا ۱۲ مصاحبه عمیق انجام شد و داده‌ها در سه مرحله، کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد، در گذشته زنان به کار دامداری، قالی‌بافی و باغداری مشغول بودند، اما با گذشت زمان قالی‌بافی در این روستا از رونق افتاد و زنان در کنار کار باغداری به سایر کارهای هنری رو آوردند. امروزه نیز باغداری و مشاغل مربوط به حوزه‌ی گردشگری در جاغرق رونق زیادی دارد. محصول دارای اهمیت به لحاظ درآمدی توت خشک است و شرایط زمینه‌ای، علمی و مداخله‌گر برای جمع‌آوری توت خشک وجود دارد. زنان سالانه درآمد زیادی از این طریق کسب می‌کنند که می‌تواند این درآمد را صرف توسعه‌ی روستا کنند، اما هنوز چالش‌هایی برای فرآیند توسعه در این روستا وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: اشتغال زنان، کسب درآمد، انباشت سرمایه.



۱- بیان مسئله

زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند و اشتغال زنان از شاخص‌های توسعه اجتماعی به‌شمار می‌رود (آخرتی، آهنگران، ۱۳۹۷: ۱۰۶). زنان روستایی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در بحث تولید و معیشت دارند زیرا تولید در روستاها براساس سازمان خانوادگی استوار است و زنان وظایف آشکار و پنهان بی‌شماری را دارند و نقش اقتصادی زنان در روستا کاملاً ملموس و عینی است. زنان روستایی رکنی از واحدهای تولیدی و ساختار اقتصادی جوامع هستند و به‌عنوان نیروی کار، تقریباً در تمامی بخش‌های اقتصادی روستا فعال هستند. مهم‌ترین فعالیت‌های زنان عبارت است از نقش همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، فعالیت‌های دامداری، همچنین نقش آنان در ایران در فعالیت‌های اقتصادی به ویژه کشاورزی و صنایع دستی انکارناپذیر است (سواری، شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۸). با توسعه گردشگری در برخی روستا مشاغل جدیدی برای زنان ایجاد می‌شود و این فعالیت‌ها همواره در ایجاد یا بهبود درآمد خانوار مؤثر بوده است. در واقع زنان در گستره جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آن‌ها در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی که شکل سنتی دارند، اغلب در داخل خانه انجام می‌شود و جنبه تولیدی دارد و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد. با این حال، زنان روستایی نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرآیند اقتصادی جامعه و خانواده هستند (سلمانی، ۱۳۹۶: ۷۴).

به‌طور کلی زنان فعالیت‌های مختلفی را نیز انجام می‌دهند، اما منجر به درآمدهای ملموسی برای آنان نمی‌شود. همین امر باعث شده تا زنان روستایی بر انتخاب‌های زندگی کنترل کمتری داشته باشند، ولی با توجه به تغییرات اجتماعی گوناگون، فعالیت‌های زنان نیز از جنبه‌های گوناگون به سرعت در حال دگرگونی است و در بعضی از موارد منجر به کسب درآمد مستقل برای زنان روستایی می‌شود که می‌توان به‌عنوان مشارکت زنان روستایی در بازار کار آن را مورد بررسی قرار داد، لذا از آنجا که رونق اشتغال، کسب درآمد و انباشت سرمایه نقش مهمی در توسعه خود روستا دارد و اشتغال زنان زمینه‌ای برای توسعه روستایی است و روستاها نیز نقش مهمی در توسعه کشور دارند، در این تحقیق درصدد بررسی تحولات اشتغال زنان و چالش‌ها و چشم‌اندازهایی که در روستای جاغرق وجود دارد، هستیم. در این راستا سؤالات تحقیق بدین صورت است: ۱- زنان روستای جاغرق در گذشته و در حال حاضر به چه کارهایی مشغول‌اند؟ ۲- زنان روستای جاغرق از طریق چه مشاغلی کسب درآمد می‌کنند؟ ۳- اشتغال زنان چه چشم‌اندازی برای روستای جاغرق فراهم می‌آورد؟

۲- پیشینه تجربی

آخرتی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان «مهم‌ترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی» انجام دادند. جامعه آماری همه زنان روستایی شهرستان زیرکوه در سال ۱۳۹۶ بود که تعداد ۳۵۸ نفر انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین زنان شاغل و خانه‌دار

در موانع فرهنگی و اجتماعی، تفاوت معنی‌دار وجود دارد، ولی در موانع اقتصادی، موانع روان‌شناختی و موانع سیاست‌گذاری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جمشیدی (۱۳۹۶) «مطالعه‌ای کیفی، با هدف واکاوی چالش‌های اشتغال و درآمدزایی زنان منطقه عشایر زردلان از استان ایلام»، انجام داد. جامعه آماری همه زنان عشایر منطقه مورد مطالعه بودند که در زمینه تولید محصولات لبنی و صنایع دستی فعالیت داشتند. نتایج نشان داد که مشکلات تولیدی و کاهش سطح تولیدات زنان عشایر تعاملی است در مقابل شرایط حاکم بر مناطق عشایری و پیامد منفی تنزل جایگاه اقتصادی زنان عشایر را به دنبال دارد. همچنین، تولیدات این زنان در کل شامل ۸۵ درصد محصولات لبنی و ۱۵ درصد صنایع دستی بود.

علوی‌زاده و شمس‌الدینی و حسینی (۱۳۹۵) به «بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی در شهرستان کاشمر» پرداختند. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، ۸ عامل نهایی تبیین شد که در مجموع توانسته‌اند 60.314 درصد از واریانس تمامی متغیرهای پژوهش را تبیین کنند. عامل سیاست‌گذاری بیشترین واریانس و عامل روان‌شناختی کمترین واریانس را دارند. از بین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی بعد فرهنگی بیشترین تأثیرگذاری را داشته و شاخص‌های «نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی»، «پایین بودن سطح سواد زنان روستایی» و «وظایف زیاد زنان در خانه» به‌عنوان اثرگذارترین موانع اشتغال زنان در این دهستان شناخته شده‌اند.

شریفی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف «تحلیل عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی شهرستان نجف آباد» پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی مربوط به عوامل بازدارنده نشان داد که متغیرها در هفت عامل زیرساختی-حمایتی، فرهنگی-روان‌شناختی، مهارتی، اعتماد اجتماعی، ساختاری، انگیزشی-شناختی و تسهیلات بانکی قرار گرفتند که این هفت عامل ۶۶،۵۰ درصد کل واریانس را تبیین می‌کند. در تحلیل عاملی، عوامل پیش‌برنده ۵ عامل آموزشی-حمایتی، فرهنگی-زیرساختی، خانوادگی، مشارکت اقتصادی و نهادی شناسایی شد که این پنج عامل ۶۰،۶۸ درصد کل واریانس را تبیین می‌کند. لوو و همکاران (۲۰۱۸) در رابطه با «تخصص در توسعه روستایی» به یک تحلیل مفهومی و تجربی رسیدند. نتایج آن‌ها بدین صورت است که تجربه و تخصص به‌عنوان کلید زندگی، به‌طور فزاینده‌ای در روایت‌های توسعه باید استفاده شود. در تجزیه و تحلیل مدل‌های توسعه روستایی و تولید دانش در دهه‌های گذشته معرفی مفهوم تخصص بومی، تخصصی که مردم دارند و مبتنی بر مکان است، دارای اهمیت است و متخصصان مشاوره روستایی باید از تصمیم کشاورزان حمایت کنند و ترکیب تخصص بومی را به‌عنوان یک هم‌پوشانی استفاده کنند، بنابراین زمینه، مکان تولیدشده و دانش میدان، مکان متمرکز و در نظر گرفتن چگونگی بهتر شناخته شدن در فرآیندهای توسعه و برنامه‌های سیاستی باید افزایش یابد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان پیشینه‌های داخلی در کارهای مورد بررسی قرار گرفته سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در توسعه اشتغال زنان مهم و ضروری تلقی شده است. انتقاد وارده بر کار دیگران این است که جامعه آماری آن‌ها چندین روستاست و به‌طور کامل بر یک روستا تمرکز نشده است، درحالی‌که هر روستا دارای زمینه خاصی است که باید نسخه

توسعه بر اساس آن زمینه و محیط طراحی شود. با توجه به این اشکال ما در تحقیق خود درصدد این هستیم که تنها بر روستای جاغرق تمرکز کنیم و زمینه و پیشینه اشتغال زنان روستای جاغرق را مد نظر قرار دهیم.

۳- پیشینه نظری

همه انسان‌ها به نظام تولید وابسته هستند. در همه جوامع بخش عمده زندگی اکثر مردم را فعالیت تولیدی و کار اشغال می‌کند. از نظر جامعه‌شناسان تقسیم کار و تنوع مشاغل وجه تمایز جوامع امروزی از جوامع سنتی است. تقسیم کار سنتی بر پایه تقسیم‌بندی جنسیتی بوده است (گیدنز ۱۳۸۶: ۵۲۸). در جوامع روستایی برای زنان و مردان نقش‌های متفاوتی در خانواده و جامعه تعریف شده است. با گذشت زمان و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نقش‌های زنان و مردان نیز تغییراتی به وجود آمده و در جوامع روستایی نیز این تغییر و تحولات ملموس است و هویت سنتی آنان نیز دچار دگرگونی شده است. از بعد از دهه ۷۰ میلادی متون و آثاری از جنسیت و زنان به وجود آمد و موازی با این نظریه‌پردازان توسعه اهمیت نظام‌های زراعی را مورد توجه قرار دادند و به تدریج به بحث‌های توسعه و اشتغال زنان در روستاها توجه شد (شریفی، ۱۳۹۴: ۲).

در نظریه ستیز، نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان، منشأ کلی نابرابری جنسیتی است و از آنجا که مردان، دسترسی بیشتری به منابع قدرت دارند، از آن در جهت اعمال فشار و تداوم یک نظام قشربندی مبتنی بر جنسیت استفاده کرده‌اند. رندال کالینز، خانواده را عرصه کشمکش جنسی می‌داند که در آن زنان همیشه تحت تسلط مردان بوده‌اند (ریترز، ۱۳۹۴: ۱۷۵). او نابرابری موجود در خانواده را به‌عنوان تابعی از سرمایه‌های فرهنگی در نظر می‌گیرد و تداوم این نابرابری را وابسته به گفت‌وگوهایی می‌داند که فعالیت جنسیتی هر کدام از زوجین را مشخص می‌کند؛ فعالیت‌هایی که خود تابعی از سرکوب و ثروت مادی در اختیار است (ترنر، ۱۳۹۳: ۳۰۱).

باد و ولف معتقدند که تعادل و توازن در تصمیم‌گیری‌ها به نفع کسی است که منابع و امکانات بیشتری را به خانه می‌آورد و هر چه منابعی که فرد در اختیار دارد، بیشتر باشد، از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود. افزایش سطح تحصیلات، پایگاه شغلی، درآمد و دارایی مرد، منابعی هستند که او می‌تواند از آن‌ها برای کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کند (بلاد ولف ۱۹۹۶ به نقل از عسکری و همکاران ۱۳۹۱: ۱۹۶). نظریه بلومبرگ بیان می‌کند که قشربندی جنسیتی وابسته به میزان کنترل وسایل تولید و تخصیص مازاد تولید به زنان است. چنین کنترلی به وسیله زنان به آن‌ها قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و در نهایت وجهه اجتماعی می‌دهد. کنترل مردان در سطوح مختلف باعث کاهش قدرت زنان در جوامع شده است. در این رابطه، او این قضیه را که هر چه زنان قدرت اقتصادی بیشتری داشته باشند، بیشتر قادر خواهند بود بر شکل‌های دیگر قدرت - سیاسی، ایدئولوژیکی و غیره دسترسی پیدا کنند، بیان کرد (ترنر ۱۹۹۸: ۲۳۳ به نقل از لهسائی زاده ۱۳۸۷: ۲۴ و ۲۵). بلومبرگ تأکید می‌کند که در دوران انتقال قدرت اقتصادی از مردان به زنان، مردان احساس خطر می‌کنند و در نتیجه تلاش‌های زنان را سرکوب می‌کنند تا زنان قدرت برابر به دست نیاورند. اگر در این مرحله زنان مقاومت کنند و دوران انتقال را پشت سر بگذارند، خط مشی‌های

سیاسی علیه زنان کنار گذارده می‌شود و خشونت علیه زنان با تنبیه روبرو می‌شود، بنابراین به‌دست آوردن کنترل اقتصادی شرط لازم برای موقعیت برابر زنان در قشریندی اجتماعی است و ربط مستقیمی با تقاضا برای کار زنان، از سوی دیگر، کار مولد زنان بستگی به بازتولید آن‌ها دارد و مردان از وجود کار بازتولیدی زنان به‌عنوان مانعی برسر راه کار مولد زنان استفاده می‌کنند. در جوامعی که کار زنان اهمیت پیدا می‌کند، زنان می‌توانند قدرت بیشتری به‌دست آورند (بلومبرگ، ۱۹۸۴ به نقل از همان).

۴- روش تحقیق

با توجه به اینکه به‌دنبال کشف تحولات اشتغال تنها در یک روستا بودیم و نیاز به عمق بیشتری از انواع مشاغل زنان از گذشته تا کنون داشته‌ایم، از مطالعه‌ای اکتشافی استقرایی (نظریه زمینه‌ای^۱) که یک سنت کیفی است، استفاده کردیم. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌روایی نیمه‌ساختار یافته است و مصاحبه‌نامه‌ای به‌صورت سؤالات باز طراحی شد. شیوه نمونه‌گیری هدفمند بوده و همچنین از نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ نیز استفاده شده است که در این نوع نمونه‌گیری نخست چند نفر را که دارای مشخصات مورد نظر هستند، پیدا کرده و بعد از مصاحبه از آن‌ها تقاضا کردیم اگر افرادی که دارای همان مشخصات هستند به ما معرفی کنند (بیکر، ۱۳۹۲: ۱۹۱). منطق حاکم در انتخاب حجم نمونه، اشباع نظری بود؛ اشباع زمانی اتفاق می‌افتد که در خلال مصاحبه یا مشاهده هیچ اطلاع جدیدی ظهور نکند و طبقه‌بندی و دسته‌بندی از جهت کیفیت و تنوع به‌خوبی توسعه یافته باشد و روابط میان دسته‌ها به خوبی تثبیت و اعتبار یافته باشد (اشتراس و کوربین، ۲۰۰۸: ۲۱۲). ما نیز در خلال مصاحبه‌ها شروع به انجام مرحله تحلیل داده‌ها کردیم و از طریق فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای داده‌های ما تحلیل شدند. این سه مرحله عبارت‌اند از: مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی. در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله‌های عمده در قالب یک مدل پارادایمی حول مقوله هسته به یکدیگر ارتباط داده می‌شوند (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۳۷) و در واقع، مقوله هسته‌ای را در قالب مدل ترسیم کردیم و به توصیف صوری مقوله و تحلیل آن پرداختیم.

۵- تحلیل یافته‌ها

افراد مورد مصاحبه، زنان ساکن در روستای جاغوق بودند. برای حفظ ناشناس ماندن مصاحبه شونده‌گان به هر یک از آن‌ها یک شماره ردیف و نام مستعار داده شده، هر یک از مصاحبه‌ها ۱۵ الی ۴۵ دقیقه به طول انجامید که مشخصات تفصیلی آن در قالب جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: توصیف ویژگی‌های پاسخ‌گویان

ردیف	نام	سن	نوع شغل
------	-----	----	---------

1 -Grounded theory

2 -snowball sample

۱	عفت	۴۲ سال	خیاطی، باغداری، درست کردن لواشک
۲	فاطمه	۶۷ سال	باغداری، دامداری، قالی بافی
۳	بهار	۱۶ سال	کار در رستوران سنتی
۴	اعظم	۴۵ سال	بافتنی، خیاطی
۵	زهرا	۲۲ سال	بافتنی، باغداری
۶	مرضیه	۷۰ سال	باغداری، دامداری، قالی بافی
۷	مریم	۱۶ سال	باغداری
۸	سمیه	۲۲ سال	باغداری
۹	معصومه	۲۹ سال	آشپزی رستوران، باغداری
10	راضیه	۵۲ سال	آرایشگری، مکرومه بافی، باغداری
۱۱	نسرین	۲۸ سال	سرمه دوزی، باغداری
۱۲	طاهره	۵۸ سال	باغداری

ابتدا یافته‌ها به صورت جدول دسته‌بندی شده که بر اساس یافته‌ها سه دوره زمانی برای تحولات انواع شغل در روستای جاغرق در نظر گرفته شده است، سپس انواع شغل در هر دوره زمانی مشخص شده و با توجه به نوع مشاغل زنان، کدگذاری محوری و کدگذاری مرحله دوم نمایان شده است؛ سپس هر کدام از موارد در زیر جدول توضیح داده شده است.

جدول شماره ۲: تحولات انواع شغل در روستای جاغرق بر اساس زمان

دوره‌های زمانی	نوع شغل	کدگذاری محوری	کدگذاری مرحله دوم
قبل از سال ۱۳۶۵	باغداری	محصولات زنانه جمع‌آوری شده	توت خشک (جمع‌آوری، خشک کردن، پاک کردن)، آلبالو خشک (خشک کردن، پاک کردن) پوست کردن آلو، سیب خشک، گردو، محصولات فراوری مانند شهد توت
		چگونگی دریافت مزد	کسب درآمد برای مرد خانواده، عدم دریافت مزد زنان
		سیر قالی بافی در روستا	زمان رونق قالی بافی، وجود بافنده غیربومی، نوع کار بومیان در کارگاه، دلایل افول قالی بافی
	قالی بافی	دامداری خانگی	دوشیدن شیر گوسفند، درست کردن سرشیر و ماست، استفاده از گوشت، مصرف خانگی
	دامداری	جمع‌آوری محصولات زنانه	توت خشک (جمع‌آوری، خشک کردن، پاک کردن)، فراوری: (درست کردن لواشک، شهد توت)

بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰	باغداری	چگونگی دریافت مزد	استراتژی‌های کسب مزد از والدین، تمایل زنان به دریافت مزد و سهم از کار باغداری
		خیاطی	تهیه پوشاک فرزندان، خیاطی برای فروش، سفارش لباس، کسب درآمد زن
	مشاغل صنایع دستی و هنری	بافتنی	بافت دستی و ماشینی بافتنی برای فروش، کسب درآمد زن، بافت برای مصرف خانواده
		مکرومه‌بافی	سفارش‌های خانگی، کسب درآمد
		آرایشگری	مشتری خانگی، غیرحرفه‌ای بودن، کسب درآمد
		سرمه‌دوزی	مشتری‌های ثابت، کار در خانه، کسب درآمد، انرژی مثبت از کار
		جمع‌آوری محصولات زنانه	توت خشک، کسب درآمد، اهمیت دادن به فرآوری محصول، پیشنهاد گلخانه، تمایل به بسته‌بندی مدرن
از ۱۳۹۰ به بعد	باغداری	چگونگی دریافت مزد	تمایل کارفرما به پرداخت مزد
	رستوران و تفرجگاه	رستوران‌های خانوادگی	سرویس‌دهی، تمایل کارفرما به پرداخت مزد، انرژی مثبت از کار
		کار برای رستوران	آشپزی در منزل، کارفرمای خانوادگی، دریافت مزد

۵-۱- قبل از سال ۱۳۶۵

باغداری: روستای جاغرق روستایی کوهستانی و دارای باغ‌های فراوانی است و از قدیم‌الایام مردم به کار باغداری می‌پرداخته و مازاد محصولات خود را به فروش می‌رساندند. از اواسط بهار تا اواسط پاییز، زنان و مردان این روستا مشغول به کار باغداری بودند. از گذشته، درخت توت در این روستا وجود داشته است که با توجه به اقلیم این منطقه و نیاز به آب کم این درخت، مردم به این محصول اهمیت می‌دادند و محصول را به صورت خشک به فروش می‌رساندند. همچنین محصولاتی چون: گیلان، آلبالو، آلو، هلو، شفتالو، گوجه سبز، سیب، انگور، گردو و بادام وجود داشته است. جمع‌آوری این محصولات به دست مردان بوده و تنها محصولی که از ابتدا جمع‌آوری، پاک کردن و فرآوری با زنان بوده است، توت خشک است که جزء محصولات پردرآمد روستایان جاغرق است. در گذشته، فروش محصول در دست مردان بوده، درحالی‌که برداشت و فرآوری محصول با زنان بوده است. همچنین خشک کردن و فرآوری کردن سایر محصولات از جمله: آلو، آلبالو، سیب، گردو نیز با زنان بوده است. زنان در گذشته برای کار باغداری مزد دریافت نمی‌کردند، ولی الان برخی زنان مسن مزد خود را پس‌انداز می‌کنند و موافق دریافت مزد هستند.

فاطمه ۶۷ ساله در مورد باغداری در گذشته می‌گوید: مهم‌ترین محصولی که کار زن‌ها بود، جمع‌آوری و پاک کردن توت خشک بود و توت‌های خراب‌تر را به صورت شهد و شیره درست می‌کردم. بعد از اتمام توت خشک، جمع‌آوری و پوست کندن آلوها برای خشک کردن را شروع می‌کردم. آلبالوها را پس از جمع‌آوری خشک و پاک می‌کردم و آخرین محصول گردو بود که لارش را جدا و خشک می‌کردیم.

قالی‌بافی: در گذشته، روستای جاغرق دارای کارگاه‌های قالی‌بافی بود و بسیاری از مردم به این کار مشغول بودند. در این روستا، بافندگان غیربومی نیز وجود داشتند و اهالی خود جاغرق به دلیل مختلط بودن جنسیتی در کارگاه‌های قالی‌بافی زنان بومی جاغرق حاضر به حضور زنان خود در کارگاه نبودند و تنها در آماده‌سازی نخ‌ها برای قالی‌بافی دخالت داشتند، اما بنا به دلایلی کار قالی‌بافی در روستای جاغرق افول پیدا کرد.

دلایل افول قالی‌بافی: ۱- ضعیف شدن صادرات بعد از انقلاب؛ ۲- رونق قالی‌های ماشینی؛ ۳- قیمت ارزان قالی‌های ماشینی؛ ۴- تعطیلی برخی کارگاه‌های مواد اولیه و نخ؛ ۵- خرابی کارگاه‌ها بر اثر سیل سال (۱۳۵۶)؛ ۶- به‌صرفه نبودن کار قالی‌بافی؛ ۷- رونق کافه‌رستوران‌ها در جاغرق؛ ۸- عدم صرفه اقتصادی قالی‌بافی برای قالی‌باف.

مرضیه ۷۰ ساله در مورد قالی‌بافی در گذشته می‌گوید: کارگرهای قالی‌باف از بقمچ، مارشک، نیشابور و سایر شهرها بودند و اغلب بچه‌های‌شان را یک ساله یا چند ماهه در کارگاه می‌گذاشتند و پول و مزد بچه را هم پدرها می‌گرفتند. آن زمان کارگاه قالی‌بافی وجود داشت، ولی به‌علت اختلاط زن و مرد، همسرم اجازه کار در کارگاه را به من نمی‌داد، اما نخ‌ها را کنج می‌کردم و برای دستگاه باز، چرخه و کنج می‌کردم و القاج و بویروخ و نخ را برای قالی‌باف‌ها آماده می‌کردم.

فاطمه ۶۷ ساله در مورد دلایل افول قالی‌بافی در جاغرق می‌گوید: به‌نظرم اوج کار قالی‌بافی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۰ بود. بعد از انقلاب دیگر صادرات کم شد و قالی‌های ماشینی به بازار آمد و به نسبت و چون نسبت به قالی‌های دست‌باف ارزان‌تر بود و مردم هم بیشتر قالی ماشینی می‌خریدند و همچنین زمان انقلاب کارها تعطیل شد و صادرات ضعیف شد، این حرفه از رونق افتاد، البته سال ۵۶ هم جاغرق سیلی در جاغرق آمد که کارگاه‌های قالی‌بافی خراب شد و تمام نخ‌ها و قالی‌ها از بین رفت و این مسئله مزید علت بود. مسئله بسیار مهم دیگر، رستوران‌ها بودند. از هنگامی که رستوران‌ها ایجاد شدند، کارگرها همه به‌عنوان گارگر در رستوران‌ها مشغول به کار شدند، زیرا کار قالی‌بافی با همه سختی‌هایش برای‌شان صرفه نداشت و رونق این شغل به از بین رفتن حرفه قالی‌بافی انجامید.

دامداری: کار دامداری برای جاغرقیان بیشتر جنبه استفاده خانگی داشت و از لبنیات و گوشت برای مصرف سالانه خود استفاده می‌کردند و امروزه بسیار کاهش یافته است.

فاطمه ۶۷ ساله در مورد کار دامداری در گذشته می‌گوید: شیر گوسفندها را می‌دوشیدیم و سرشیر و ماست درست می‌کردیم و گوسفندان را پرور می‌کردیم تا اینکه زمستان قرمه درست کنیم.

۵-۲- بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

باغداری: باغداری در روستای جاغرق در این سال‌ها هم رونق داشته، ولی با این تفاوت که مردم تمرکز خود را بر بیشتر بر محصولات فرآوری‌شده باغ خود مانند: خشکبار و درست کردن لواشک برای فروش گذاشته‌اند و برای جمع‌آوری محصول توت خشک ارزش بیشتری قائل بودند، زیرا درآمد بیشتری برای آن‌ها داشته است و کاملاً هم محصول زنانه‌ای بوده و از ابتدای

جمع‌آوری تا زمان فروش زنان دخیل بودند. در این دوران، زنان نگرش متفاوتی به کسب درآمد داشته‌اند و به دنبال دریافت مزد خود بودند و استراتژی‌های خاصی برای گرفتن حق خود اعمال می‌کردند.

عفت ۴۷ ساله در مورد استراتژی‌های گرفتن مزد از والدین می‌گوید: مزد نمی‌گرفتم ولی وقتی جمع‌آوری تمام می‌شد و پدرم پول خود را از خریدار می‌گرفت، یک هفته گریه می‌کردم که من النگو و گوشواره طلا می‌خواهم و این‌گونه مزد خود را به زور می‌گرفتم.

صنایع دستی و هنری: زنان روستای جاغرق هنرهای دستی خود را به فروش می‌رساندند و از این طریق درآمد کسب می‌کنند. از جمله هنرهای دستی زنان جاغرق: خیاطی، بافتنی، سرمه‌دوزی، مکرومه‌بافی، آرایشگری و قلاب‌بافی است. اکثر زنان مشتری‌های خانگی دارند و البته برخی هم کالاهای خود را در مغازه‌های طرهبه به فروش می‌رسانند.

راضیه ۵۲ ساله در باره مکرومه‌بافی می‌گوید: قبلاً هرگز در خانه بیکار نمی‌نشستم و مکرومه‌بافی می‌کردم. آویز و جادستمال کاغذی و سطل آشغال می‌بافتم. مشتری‌هایم بیشتر خانگی بودند، مثلاً برای جهیزیه یا برای خانه‌هایشان سفارش می‌دادند.

زهرآ ۴۲ ساله در باره بافتنی می‌گوید: هم قبل بافتنی می‌کردم و هم اکنون گاهی می‌بافم. هم با دست و هم با ماشین برای مغازه‌ای در طرهبه می‌بافتم و می‌فروختم. مزدم هم در دست مادرم بود تا برایم جهیزیه یا طلا بخرد و اسباب زندگی درست کند.

۵-۳- از ۱۳۹۰ تا کنون

باغداری: هم اکنون هم باغداری در جاغرق رونق خاصی دارد و محصول اصلی و ارزشمند باغ‌ها، توت خشک است و افراد سعی می‌کنند با راهبرهای مختلف محصول خود را مرغوب‌تر کنند تا درآمد بیشتری کسب کنند. زنان امروزه نقش پررنگی در جمع‌آوری و فرآوری توت خشک دارند. همچنین جوانان که در رشته‌های مختلف از جمله کشاورزی تحصیل کرده‌اند، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت باغداری جاغرق اعمال می‌کنند.

مریم ۱۶ ساله در مورد باغداری می‌گوید: ما توت‌ها را پاک و دستچین می‌کنیم، البته به مسائل مختلفی بستگی دارد. گاهی توت‌هایی را که سیاه است، از بقیه توت‌ها جدا می‌کنیم. گاهی نیز توت‌های ریز را جدا می‌کنیم. خیلی اوقات نیز توت را چند بار پاک می‌کنیم تا نتیجه دلخواه حاصل شود.

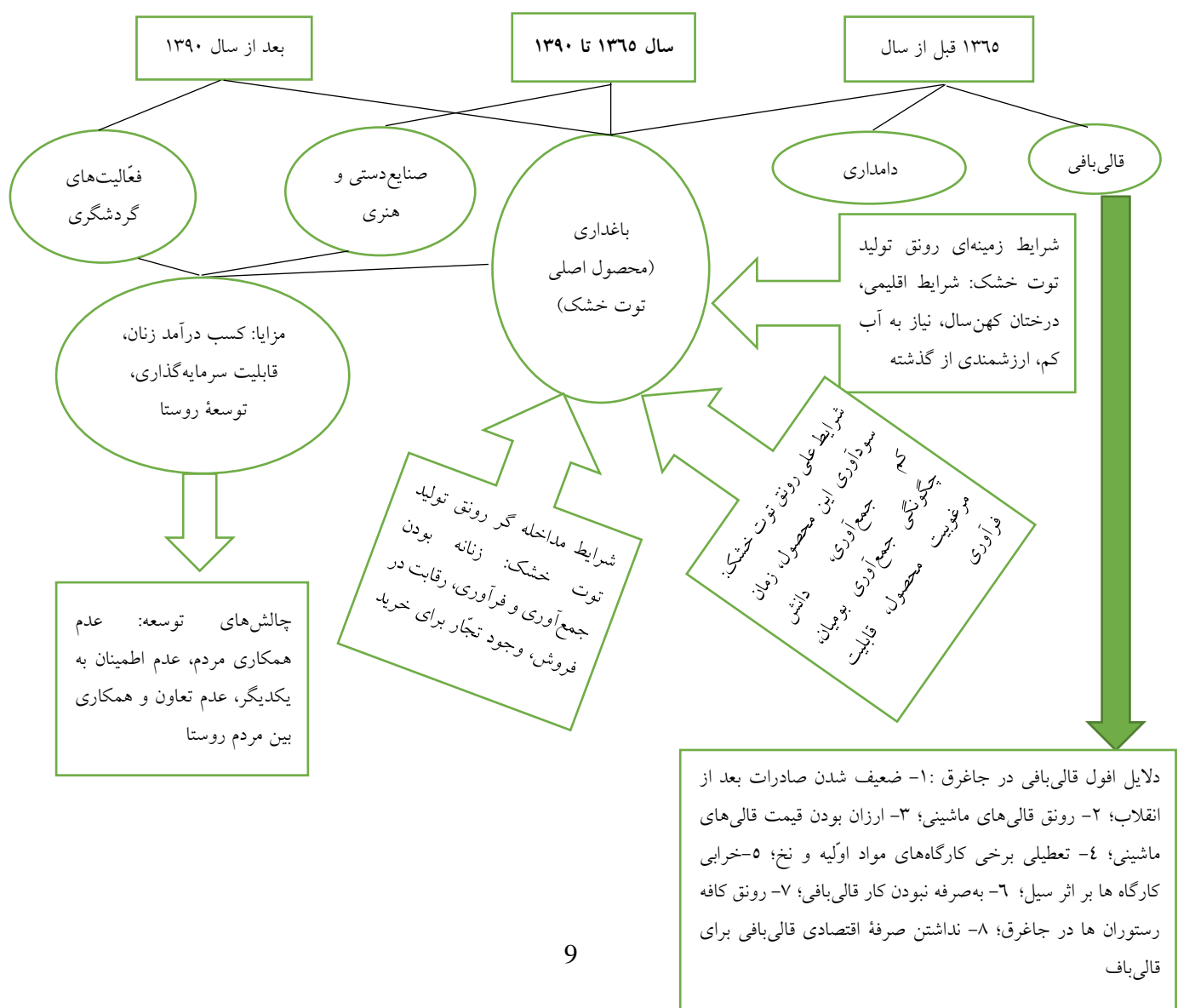
سمیه ۲۲ ساله در مورد اهمیت دادن به فرآوری می‌گوید: به نظر من چیزی که مهم است، فرآوری محصول است تا سود بیشتری داشته باشد. مثلاً توت‌های بی‌کیفیت را به جای اینکه با قیمت ارزان بفروشیم، فرآوری و به شیره توت تبدیل می‌کنیم، سپس با قیمت گران‌تر می‌فروشیم که بسیار هم سودآورتر است. تأسیس شرکت تعاونی خیلی خوب است، ولی با توجه به ویژگی‌های مردم جاغرق، این کار شدنی نیست و مثل بقیه روستاها نمی‌شود تعاونی ایجاد کرد.

رستوران‌های گردشگری: با رونق گردشگری در روستای جاغرق، رستوران‌ها و چای‌خانه‌های سنتی افزایش یافت و برخی از این مراکز تفریحی به صورت خانوادگی مدیریت می‌شود. امروز زنان نگرش مثبتی نسبت به کسب درآمد دارند و حتی کارفرماها هم که اکثر اعضای خانواده هستند، تمایل به پرداخت مزد به اعضای خانواده خود دارند.

بهار ۱۶ ساله در مورد کار در رستوران می‌گوید: سرویس چای و سرویس غذا را آماده می‌کنم. گاهی قبل از اینکه کوهنوردها بیایند، محوطه را جارو می‌کنم و در کل نظافت و کارهای مربوط به آشپزخانه و همچنین پهن کردن فرش‌های تخت‌ها و پستی‌ها، گاهی اوقات نیز در ظرف شستن کمک می‌کنم.

۶-مدل نظری

شکل شماره ۱: مدل نهایی نظریه زمینه‌ای برای درک موضوع اشتغال زنان روستای جاغرق





۷- نتیجه گیری

زنان در روستای جاغرق پرانرژی و فعال و در بخش اقتصادی تأثیرگذار هستند. در این تحقیق تحولات را به سه دوره تاریخی تقسیم کردیم. در دوره قبل از ۱۳۶۵ زنان جاغرق به کارهای باغداری، قالی بافی و دامداری مشغول بودند. زنان در باغداری در تولید خشکبار و فرآوری محصولات نقش پررنگی داشتند و مهم ترین محصولاتی که زنان در آن نقش داشتند، توت خشک، گردو، آلو خشک، آلبالو خشک و سیب خشک بوده است، اما از زمان گذشته زنان به توت خشک اهمیت فراوانی می دادند. دامداری را تنها برای مصرف خانگی خود استفاده می کردند. همچنین در گذشته مردم روستایی جاغرق به کار قالی بافی مشغول بودند و البته زنان جاغرق در بافت قالی نقش پررنگی نداشتند و اغلب مردان جاغرق و زنان و کودکان سایر روستاها در بافت قالی دخیل بودند و زنان جاغرق تنها کارهای حاشیه ای مانند: دسته بندی و کلاف کردن نخها را انجام می دادند، اما بنا به دلایلی از جمله ضعیف شدن صادرات بعد از انقلاب، رونق قالی های ماشینی، ارزانی قیمت قالی های ماشینی، تعطیلی برخی کارگاه های مواد اولیه و نخ، خرابی کارگاهها بر اثر سیل، به صرفه نبودن کار قالی بافی، رونق کافه رستوران ها در جاغرق، نداشتن صرفه اقتصادی قالی بافی برای قالی باف، قالی بافی در جاغرق افول کرد.

در دوران ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ زنان در تابستان به کار باغداری مشغول بودند و در زمستان به کارهای صنایع دستی می پرداختند و در اوقات فراغت کسب درآمد می کردند و در این دوره، زنان استراتژی های مختلفی را برای کسب درآمد و دریافت مزد انجام می دادند. از سال ۱۳۹۰ با رونق گردشگری زنان علاوه بر انجام کار باغداری به کار در حوزه های گردشگری، به خصوص آشپزی و کار در رستوران های خانوادگی مشغول شدند و امروزه حتی کارفرمایان خانگی متمایل به دادن مزد به اعضای خانواده خود هستند. بنابراین کار باغداری از زمان های گذشته تاکنون برای زنان روستای جاغرق وجود داشته است و محصول اصلی این روستا توت خشک به شمار می آید.

در این روستا شرایط زمینه ای از جمله شرایط اقلیمی و وجود آب و هوای مناسب، وجود درختان کهن سال از گذشته، نیاز به آب کم این محصول، ارزشمندی از گذشته برای محصول توت خشک وجود دارد و همچنین سودآوری این محصول، زمان کم جمع آوری، دانش بومیان برای جمع آوری، مرغوبیت محصول و قابلیت فرآوری محصول به سایر محصولات، علتی است که توجه بیشتری به محصول می کنند و این محصول برای آنان دارای ارزش است. همچنین می توان گفت فعال بودن زنان جاغرق و زنانه بودن محصول توت خشک بر مرغوبیت این محصول افزوده و زنان با تلاش و حوصله این محصول را فرآوری می کنند و به فروش می رسانند. زنان در روستای جاغرق از شرایط زمینه ای که در این روستا فراهم شده است، نهایت استفاده را می کنند. با توجه به اینکه اشتغال و کسب درآمد باعث انباشت سرمایه می شود، می توان گفت زنان سالانه درآمد زیادی کسب می کنند که می توانند این درآمد خود را صرف توسعه و آبادانی روستا کنند، اما باید این را نیز گفت که موانع و چالش هایی بر سر راه توسعه

در این روستا وجود دارد، مانند عدم همکاری و تعاون بین مردم، عدم اطمینان به یکدیگر و تمایل به تجمل گرایی و مصرف گرایی؛ در نتیجه مردم و به خصوص زنان بسیاری از سرمایه های خود را در راه های گوناگون نادرست صرف می کنند.

۸- مراجع

- آخرتی، محمود؛ الهه آهنگری، محمد طحان، (۱۳۹۷)، بررسی مهمترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۱۰۵-۱۱۶.
 - بیکر، ترزال، (۱۳۸۶)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، هوشنگ ناییبی، تهران، نشرنی.
 - ترنر، جان اتان اچ (۱۳۹۳)، نظریه نوین جامعه شناختی، مترجم علی اصغر مقدس، مریم سروش، چاپ اول، تهران، نشر جامعه شناسان.
 - جمشیدی، معصومه؛ علیرضا، جمشیدی، (۱۳۹۶)، واکاوی چالشهای اشتغال و درآمدزایی زنان منطقه عشایر زردلان، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۰۸-۱۲۹.
 - ریتزر، جورج، (۱۳۹۴)، مترجم محسن ثلاثی، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، نشر علمی، تهران، چاپ بیستم.
 - سلمانی، محمد؛ حسینعلی، فرجی سبکبار؛ بهرام هاجری؛ ذبیح الله، ترابی، (۱۳۹۶)، عوامل تأثیرگذار بر اشتغال زنان روستایی کشور در بخش صنعت، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۷۳-۹۴.
 - سواری، مسلم؛ حسین، شعبانعلی فمی؛ محمدشریف، شریف زاده، (۱۳۹۶)، موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۷-۳۶.
 - شریفی، زینب؛ هوشنگ، ایروانی؛ ژیلا، دانشورعامری، (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل پیش برنده و بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی شهرستان نجف آباد، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی و جامعه، سال ششم، شماره اول، صص ۱-۲۰.
 - عسکری ندوشن، عباس؛ نرجس، جهانگیر؛ محمد، نوریان نجف آبادی، (۱۳۹۱)، تحلیلی بر رابطه طبقه اجتماعی و ساختار قدرت خانواده در شهر اصفهان، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۱۸۷-۲۱۶.
 - علوی زاده، سید امیرمحمد؛ علی، شمس الدین؛ فاطمه، حسینی، (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده اشتغال زنان روستایی در شهرستان کاشمر، ویزنامه زن و جامعه، صص ۱۹۵-۲۱۸.
 - گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران (نی).
 - لهسایی‌زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۷)، نظریه‌های جدید در مکتب تضاد، مجله علمی پژوهشی دانشگاه آزاد، شماره ۱۱، صص ۹-۳۲.
 - فلیک، اووه، (۱۳۹۱)، درآمدی بر پژوهش کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.
- Lowe, Philip, Jeremy Phillipson, Amy Proctor, Menelaos Gkartzios" (۲۰۱۸) Expertise in rural development: A conceptual and empirical analysis." . Centre for Rural Economy, School of Natural and Environmental Sciences, Newcastle University, The Authors. Published by Elsevier Ltd. This is an open access article under the CC BY license.
 - Strauss, A .Corbin, J. (2008). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory: SAGE : publication.